



ناشر تخصصی ادبیات معاصر

خاطرات کلاویس

(جلد اول)

نویسنده: هکتور هیو مونرو (ساکی)

مترجم: آرش خوش صفا

www.ketab.ir

سرشناسه: ساکی، (Saki)، ۱۸۷۰-۱۹۱۶.
عنوان و نام پدیدآور: خاطرات کلاویس / مؤلف: هکتور هومونرو (ساکی)؛ ترجمه ی: آرش خوش صفا.
عنوان و نام پدیدآور به زبان اصلی: the chronicles of clovis / H.H. Munro
مشخصات نشر: گیومه، ۱۳۹۷، کرج: ۳۵۸۵۲۲.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص. جلد ۱ از مجموعه ی / جلدی
شابک: دوره ۸-۲-۶۲۵۵۰-۶۲۲-۹۷۸:
ج ۱/۱-۶۲۵۵۰-۶۲۲-۹۷۸|: ج ۲/۵-۳-۶۲۵۵۰-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: the chronicles of clovis
موضوع: داستان های کوتاه انگلیسی
شناسه افزوده: خوش صفا، آرش، ۱۳۶۵، مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ خ ۲/س ۳/ PZ
رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۰۲۳۷۲



ناشر تخصصی ادبیات معاصر

داستان ترجمه

خاطرات کلاویس

مؤلف هکتور هیو مونرو (ساکی Saki)

مترجم آرش خوش صفا

شابک دوره ۸-۲-۶۲۵۵۰-۶۲۲-۹۷۸

شابک جلد اول ۱-۱-۶۲۵۵۰-۶۲۲-۹۷۸

چاپ نخست کرج ۱۳۹۷

تعداد ۵۰۰ نسخه

چاپ پردیس

مدیر هنری و طراح گرافیک کارنگ طیاری

صفحه آرای تیم طراحی ایرانیان (حمید رضا زاده)

قیمت ۲۵۰۰۰ تومان

قیمت دوره ۵۰۰۰۰ تومان

giyumepub@gmail.com

giyumeh.ir

فهرست مطالب

۹.....	پیش‌گفتار
۱۳.....	ایزومی
۲۳.....	دلالت ازدواج
۲۹.....	توبرموری
۴۳.....	بیر خانم پیکلتاید
۶۱.....	هرمان نازک نارنجی - داستان آشک و زان بزرگ
۶۷.....	آشوب درمانی
۷۹.....	شوخی آرلینگتون استرینگهام
۸۷.....	سیرندی واشتار
۹۵.....	آدریان - بخشی از فرآیند سازش
۱۰۳.....	چپلیت
۱۱۱.....	جست‌وجو
۱۲۱.....	راتیسلانو
۱۲۹.....	تخم مرغ عید پاک
۱۳۷.....	فیلبوید استاج، داستان موش کمک‌رسان
۱۴۳.....	نوا ی آن سوی تپه

پیش‌گفتار

ما آدم‌ها چیزهای خوب پیرامون مان را گاهی با دیگران قسمت می‌کنیم و گاهی برای خودمان نگه می‌داریم. برای مثال، پاتوق مان در رستوران مورد علاقه مان جزو آن دسته از چیزهایی است که تنها چندتا از دوستان و آشنایان صمیمی از شما خبر دارند. در حالی که با علاج گناه نکردن هایمان از آن چیزهایی است که با هر کسی که به شرمی خورم در میان می‌گذاریم، حتی اگر آشنای دوری باشد که تصادفی دوروبر سرپنتاین ببینیم. قضیه کتاب‌هایمان هم به همین شکل است. کتاب‌هایی وجود دارند که همیشه دست داریم سر میز شام با بغل دستی مان درباره‌شان بچ‌بچ کنیم و به شرمی‌ها در دادنشان را بدهیم تا بلکه او هم از لذت‌شان سهمی برده باشد؛ در حالی که گاهی هم یک سری کتاب‌های نور چشمی هم در بساط مان داریم که از ترس انتقاد دیگران و نژاد شکر، کشف مان در خواندن آن‌ها، هرگز حرفی ازشان نمی‌زنیم. باید بگویم کتاب‌های ساکس، دست‌کم برای من، از دسته دوم هستند.

نخستین بار و فکر می‌کنم نخستین بار ممکن او را در مجله وست‌مینستر^۱

1 - Serpentine
2 - Westminster

کشف کردم. بیاییم همین جا به یاد آن روزهای طلایی اوایل قرن بیست که عصرها تنها پنج روزنامه عمومی چاپ می شد و نویسنده های بیرون می توانستند از شان مدرکی برای خودشان دست و پا کنند و بعدها آن ها را منبع مطالعات علمی شان معرفی کنند یادی کنیم. مهم نبود گلوب^۱ بود یا پل مل^۲ که البته هر دو آن ها هم بدور شک پررونق بودند؛ مهم این بود که یا گلوب یا پل مل در نهایت روزی از میب نویسنده ها یادی می کردند. من خودم هم همین طور بودم، البته بعدها سروکارم بیش تر با ست جیمز^۳ بود. خیلی خوش حال نبودم که قرار است با یک سری آدم از دانش گاه ای دیگر روبه رو شوم. اما خب یک بار اسم عجیب و غریب یک دانش جوی سال اولی دیوید است مینستر تو جهم را جلب کرد؛ هر آن چه که برای گفتن داشت را خواندم. و فقط همین که چشم بسته توانستم دانش آموختگان معروف خودمان را به یاد بیاورم که بدین شک با بَری^۴ آغاز و احتمالاً با نام خودم تمام می شد توانستم آرامش خودم را حفظ کنم. بعدها خبر فراتر از حد انتظار ظاهر شدن همین دانش جو همه جا صدا کرد و چون اسم برایم بر این است که کمبریجی ها همیشه از دست دانش آموختگان جوان آکسرد می نالند، عموماً تصور بر این بود که این نویسنده خارجی دهه ی سی، رقیب مناسبی برای ایر دانش گاه ها به شمار نمی آید. در واقع می شود گفت اصلاً حق و توانایی رقابت با این قائل نبودند. اما خب من کشفش کردم ولی فقط با چندتا از آدم های مورد پسندم درباره اش

1 - Globe

2 - Pall Mall

3 - St. James

4 - Barrie

حرف زد. شاید یکی از دلایلش تخلصی بود که هنوز هم شک دارم چه طور باید بخوانمش: سایکی، ساهکی یا ساکی که چندان جذبه نمی‌کرد و یا شاید این احساس در وجودم رزه می‌رفت که ارزشش را ندارد. اما چه قدر لذت دارد وقتی غریبه‌ای که باد در گلو می‌اندازد و ازت می‌پرسد «تو اصلاً هیچ ساکی می‌خونی؟»، تو هم با همان لحن و حتی شاید با غبغبی پُربادتر پاسخ می‌دهی: «ساکی! سال‌هاست که نویسنده مورد علاقه‌مه.»

شاید خیال‌های دیگر هم دل‌شان می‌خواست مثل این ساکی غریب بنویسند. ماها خیلی بومی باشیم، اما او جهانی بود. اگر ماها با نوشتن از قپه‌های یقه و بطری‌های آب داغ پیناپل^۱ قند می‌کردیم بامزه باشیم، او با نوشتن از ببر و آدم‌گرگ‌ها همیشه بامزه‌تر به نظر می‌رسید. گفت‌وگوهای ما در داستان‌ها به حرف‌های بین جان^۲ و ماری^۳ ختم می‌شد، رحالی^۴ که او با برتی و ن^۵ تان^۶ و بارونس^۷ خیلی به‌تر از عهده این کار برمی‌آمد. حتی آدم‌های ناخوانده‌ی داستان‌های ما که شخصیت‌هایی مثل تامکینزها^۸ بودند، در مقابل مقایسه با بلتریت^۹ یا دی راپ^{۱۰} ساکی نیستند و از هیجانان قهرمان‌ها سالها سال اما جهان دیده‌اش، کلاویس سنگریل^{۱۱}، هم که نمی‌شود اصلاً حرفی به میان آورد ماها همیشه اسیر

1 - John

2 - Mary

3 - Bertie Van Tahn

4 - baroness ریخت زنانه وازه baron است که به القاب اشرافی غرب اروپا اشاره دارد. (مترجم)

5 - Tomkins

6 - Belturbet

7 - de Ropp

8 - Sangrail

حسادت‌هایمان بودیم و با خودمان فکر می‌کردیم که چه طور ممکن است موقع نوشتن از قه‌های یقه با بیرها خوش‌مزگی کرد؛ فقط ای کاش آن بی‌رحمی سهل‌انگارانه‌ی روایتی، یک نوع بی‌تفاوتی بچگانه در آغاز داستان‌هایش که به خنده‌هایی از ته دل ختم می‌شدند، کم‌رنگ‌تر می‌بود. اما خب به هر حال خوش، ختانه نمی‌شود ساکی خواند و لبخند نزد.

اما طلسم ساکی واقعاً چیست؟ درست مثل هر هنرمند قابل‌دیگری، به هیچ وجه نمی‌شود، نسخه‌ای برای کارش پیچید. اگر انتخاب موضوعات خارجی را نقطه قوتش بدانیم؛ می‌توان آن را نقطه ضعفش هم در نظر گرفت چرا که اگر کلید موفقیتِ روایتی آن، همان بی‌تفاوتی‌های همیشگی‌اش به موضوع باشد، پرت‌گاه سقوطش نیز خواهد شد. من شخصاً و بر خلاف برخی منتقدین فکر نمی‌کنم - دست‌کم در این کتاب - ساکی را بتوان به عنوان استاد داستان‌کوتاه تلقی کرد. چرا که چنین ادعایی نیازمند کاری مسته‌ورفته‌تر از سهل‌انگاری‌های بچگانه‌ی ساکی در این جاست. او هر کجا که توانسته داستان را بی‌انسجام پایان داده. حتی در میان گفت‌وگوهای معروف به باسزکی - که تماماً هم‌بامزه هستند - تبحری که باید، دیده نمی‌شود. گاهی اوقات تک‌گویی بسیار مُصرانه‌ای درشان یافت می‌شود؛ یک شخصیت حرف می‌زند و دیگری نمی‌شنود. اما باید بگویم توصیفات و پیش‌برد طرح داستان در هر گوشه و کناری از ویژگی‌های بارز ساکی به شمار می‌آید که با زبان مخصوص خودش از پسِ آن‌ها بر می‌آید.